

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پدیدارشناسی راهبردهای حل اختلافات آبی ایران و افغانستان در حوضه هریرود

علی اکبر پور آلمه جوقی^۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین پدیدارشناسانه راهبردهای حل اختلافات آبی ایران و افغانستان در حوضه هریرود انجام شده است. این مطالعه با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی تفسیری، از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۰ متخصص حوزه‌های آب، روابط بین‌الملل و محیط‌زیست در سال‌های ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۴ انجام شد. از طریق کدگذاری سه‌مرحله‌ای، ۱۱۶ کد باز در قالب ۱۱ مقوله منافع متقابل، دیپلماسی رسمی و غیررسمی، نهادهای بین‌المللی، آموزش، تعاملات اقتصادی، مسائل زیست‌محیطی، هم‌افزایی علمی، اراده اجرایی، تعاملات فرهنگی، شفافیت و سند راهبردی کسب شد. بر طبق این یافته‌ها، راهبردهای فوق می‌توانند مبنایی برای کاهش تنش‌های آبی و ارتقای همکاری‌های دوجانبه فراهم آورند.

واژگان کلیدی:

پدیدارشناسی؛ اختلافات آبی؛ ایران؛ افغانستان؛ هریرود.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۷/۱۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۲۵

^۱. فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور قوچان، قوچان، جمهوری

اسلامی ایران. akbarpourali1370@gmail.com

مقدمه

این پژوهش به بررسی پوشش ژئوپلیتیکی و تعاملات هیدروپلیتیکی در حوضه رودخانه هریرود می‌پردازد؛ حوضه‌ای که سه کشور افغانستان، ایران و ترکمنستان را در برمی‌گیرد. اهمیت این رودخانه از ویژگی‌های جغرافیایی، اکولوژیکی و ژئوپلیتیکی آن ناشی می‌شود. هریرود برای دو کشور ایران و افغانستان از منظر اقتصادی و اجتماعی اهمیتی حیاتی دارد؛ چراکه علاوه بر تأمین بیش از ۵۰ درصد نیاز آب شرب شهر مشهد، نقش مهمی در تضمین امنیت غذایی و آبی هرات و توسعه کشاورزی در دو سوی مرز ایفا می‌کند (Nagheby et al, 2019: 249). با این حال، رشد جمعیت، توسعه اقتصادی، آثار تغییرات اقلیمی، مدیریت ناکارآمد منابع آب و فقدان توافق رسمی میان طرفین، فشار روزافزونی بر منابع هریرود وارد کرده است.

در غیاب یک رژیم حقوقی مشخص، افغانستان در بالادست و ایران و ترکمنستان در پایین دست، به طور یک‌جانبه سیاست‌های خود را برای بهره‌برداری از رودخانه دنبال کرده‌اند. نمونه بارز آن، احداث سد سلما در ۱۵۰ کیلومتری شرق هرات با کمک مالی و فنی هند و سد پاشدان با ظرفیت ۵۴ میلیون مترمکعب که در سال ۲۰۲۵ افتتاح شد (Loodin & Warner, 2022: 3). در مقابل، ایران و ترکمنستان با ساخت سد دوستی در سال ۱۳۸۴ با حجمی بالغ بر ۱/۲۶ میلیارد مترمکعب، اهدافی چون تأمین آب شرب مشهد، توسعه کشاورزی و تولید برق آبی را دنبال کردند. سیاست‌های آبی ایران بیشتر متأثر از ملاحظات ژئواستراتژیک و درعین حال همراه با نوعی تناقض میان تلاش برای همکاری و پیگیری منافع ملی بوده است. در سوی مقابل، افغانستان به‌ویژه پس از سلطه طالبان، آب را ابزاری برای اهرم‌سازی سیاسی و کنترل همسایگان در نظر گرفته و سیاست‌های متعارضی را نسبت به ایران در پیش گرفته است (Saeedi, 2022: 55).

این وضعیت، خطر تشدید بحران را افزایش داده و ضرورت دستیابی به یک توافق رسمی و پایدار را دوچندان کرده است؛ به‌ویژه آنکه آب به‌عنوان یک عنصر هیدروپلیتیک، نقش تعیین‌کننده‌ای در روابط کشورهای با آب‌های فرامرزی مشترک دارد. پیچیدگی تعاملات ژئوپلیتیکی میان ایران و افغانستان و آثار ناشی از تأخیر در توافق، نیازمند بررسی‌های عمیق‌تر است. از این رو، پژوهش حاضر با تمرکز بر واکاوی پدیدارشناسانه راهبردهای حل اختلافات آبی در حوضه هریرود از منظر خبرگان و کارشناسان، می‌کوشد به فهمی کاربردی از امکان‌های دستیابی به توافق پایدار دست یابد.

با توجه به آنچه بیان گردید، سؤال محوری مقاله می‌تواند به شکل زیر مطرح شود: «تجربه‌ها و ادراکات خبرگان و کارشناسان درباره راهبردهای حل اختلافات آبی ایران و افغانستان در حوضه هریرود چیست و این راهبردها چگونه می‌توانند در قالب مقولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، حقوقی و زیست‌محیطی دسته‌بندی شوند؟» با بررسی این موضوع، به محققان و سیاست‌گذاران در جهت افزایش آگاهی در مورد اهمیت این حوضه حیاتی و حفظ اکوسیستم آن کمک می‌شود، و درک جامعی از پیوندهای بین آب و سایر مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ارائه می‌شود. با پیشبرد درک مسائل مربوط به امنیت آب در این منطقه بسیار مهم از منظر ابعاد چندرشته‌ای، کمک‌های قابل‌توجهی به راهبردهای حل اختلافات آبی ایران و افغانستان و ارائه دستورالعمل‌های سیاستی خواهد شد. از این نظر، انجام این پژوهش با تحلیلی پدیدارشناسانه و با تغییرات ساختاری که در افغانستان رخ داده، می‌تواند به ارائه دستورالعمل‌های سیاستی برای رفع اختلافات آبی کمک نماید. مدیریت مشکلات پیچیده آب و ارائه راه‌حل‌های بهینه با توجه به محدودیت‌های تحمیل‌شده در زمینه موردنظر قابل‌اجرا، نیازمند توجه به دیدگاه خبرگان و کارشناسان برای مدیریت مشکلات پیچیده منابع آب‌های فرامرزی مشترک است.

پیشینه پژوهش. در این بخش، چند مورد از مهم‌ترین تحقیقات انجام‌شده مرتبط با پژوهش حاضر معرفی می‌شوند تا ضمن بررسی آن‌ها، نوآوری پژوهش حاضر روشن گردد: کریمی و همکاران (۱۳۹۹) با رویکردی جغرافیایی بر علل بهره‌برداری و پیامدهای سدسازی تأکید کرده‌اند، اما راهکارهای اجرایی و دیپلماتیک را کمتر مورد توجه قرار داده‌اند. مشهدی و اکبری (۱۳۹۹) از منظر حقوق بین‌الملل، اصل «بهره‌برداری منصفانه و معقول» را برجسته ساخته‌اند؛ هرچند نگاه آنان بیشتر هنجاری بوده و سازوکارهای عملی تحقق این اصل را تبیین نکرده‌اند. در همین راستا، پژوهش خوش‌سیما و محجوبی (۱۴۰۱) ابعاد هیدروپلیتیک را بررسی کرده‌اند، اما تمرکز بیش‌ازحد بر محورهای سیاسی و اقتصادی سبب شده ابعاد اجتماعی و نهادی و به‌ویژه تجربه زیسته خبرگان مغفول بماند. ایمانپور سعید و سیمبر (۱۴۰۲) به عوامل ساختاری و سیاسی همچون مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای، فاصله ایدئولوژیک و بی‌ثباتی حکومت‌ها پرداخته‌اند. نقطه قوت پژوهش آنان، توجه به بستر تاریخی و سیاسی اختلافات است، اما محدودیت آن در عدم ارائه راهکارهای سیاستی برای کاهش تنش‌ها آشکار است. در همین زمینه، زهیری و همکاران (۱۴۰۲) نقش قدرت نرم و حکمرانی خوب را مطرح کرده‌اند و با تمرکز بر عناصر فرهنگی و ارزشی، بعد اجتماعی-

فرهنگی روابط را پیرنگ ساخته‌اند؛ باین وجود، پیوند این یافته‌ها با سیاست‌های کلان آبی و اقتصادی کمتر مورد بحث قرار گرفته است.

در سطح راهبردی‌تر، ضیایی و همکاران (۱۴۰۲) و نیز اکبرپور آلمه‌جویی و همکاران (۱۴۰۲) به راهبردهای همکاری و دیپلماسی آبی پرداخته‌اند. هرچند پژوهش نخست اولویت‌بندی الزامات اقتصادی و سیاسی را ارائه کرده و پژوهش دوم بر نقش دیپلماسی رسمی و غیررسمی تمرکز نموده است، اما هر دو مطالعه بیشتر از دید کلان به مسئله نگرینسته و تجربه عملیاتی خبرگان و کارشناسان به‌عنوان منبع داده اصلی کمتر مدنظر قرار گرفته است. از منظر نظری، پژوهش حیات ۱ و همکاران (۲۰۲۲) و نیز لودین و وارنر ۲ (۲۰۲۲) به نقد نظریه هیدروهمژمونی پرداخته و ضعف آن در نادیده گرفتن نقش بازیگران خارجی را نشان داده‌اند. این نگاه نظری به تبیین قدرت و همژمونی در روابط آبی ارزشمند است، اما به‌طور مستقیم راهبردهای کاربردی برای مدیریت اختلافات ارائه نمی‌دهد. در همین راستا، محمدی و چلکلی ۳ (۲۰۲۳) بر ضرورت همکاری‌های منطقه‌ای در مدیریت آب و بهره‌برداری از ظرفیت انرژی برق‌آبی هریرود تأکید کرده‌اند، ولی تمرکز آنان بیشتر بر ظرفیت‌های فنی و توسعه‌ای است تا این که بر ابعاد نهادی و دیپلماتیک تأکید کنند.

این پژوهش‌ها در سال‌های اخیر و به‌ویژه بعد از احداث سد سلما از جنبه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، حقوقی، زیست‌محیطی و با توجه به رویکردهایی همچون نظریه بازی‌ها، واقع‌گرایی، کارکردگرایی، دیپلماسی آبی، ملاحظات اقتصادی و فرهنگی نتایجی را داشته‌اند. باین حال و با توجه به جستجوی تخصصی محقق، پژوهشی که در قالب تحلیلی پدیدارشناسانه و از دیدگاه خبرگان و کارشناسان، راهبردهای حل اختلافات آبی ایران و افغانستان در حوضه هریرود را ارائه نماید، مشهود نیست. درحالی که درنظرگرفتن این نوع نگاه، آن هم در شرایطی که آبگیری سد پاشدان آغاز شده است، نشان از ضرورت توجه به این حوضه آبی و اهمیت دستیابی به یک توافق پایدار است.

مرور پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که موضوع اختلافات آبی ایران و افغانستان در حوضه هریرود از ابعاد گوناگون جغرافیایی، حقوقی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است، باین حال هر یک از مطالعات بر بُعدی خاص تأکید داشته و کمتر به راهبردهای چندبعدی و تلفیقی پرداخته‌اند. آنچه پژوهش حاضر را از مطالعات پیشین

¹. Hayat

². Loodin & Warner

³. Mohammadi & Çelekli

متمایز می‌سازد، ترکیب چندبعدی رویکردها و استفاده از روش پدیدارشناسی تفسیری برای واکاوی تجربه و ادراک خبرگان و کارشناسان است. برخلاف پژوهش‌های پیشین که یا به بعد حقوقی، یا سیاسی، یا فرهنگی پرداخته‌اند، این مطالعه راهبردهای حل اختلافات را در قالب ۱۱ مقوله و هفت حوزه کلی سامان داده است. همچنین با اتکا به داده‌های میدانی و مصاحبه‌های عمیق، خلأ موجود در پژوهش‌های پیشین - که بیشتر بر تحلیل‌های نظری و اسنادی استوار بودند - جبران شده است. به بیان دیگر، پژوهش حاضر ضمن بهره‌گیری از یافته‌های گذشته، با ارائه چارچوبی جامع و تلفیقی (شامل منافع متقابل، دیپلماسی رسمی و غیررسمی، نهادهای بین‌المللی، آموزش، تعاملات اقتصادی، زیست‌محیطی، هم‌افزایی علمی و محلی، اراده اجرایی، تعاملات فرهنگی و اجتماعی، شفافیت و سند راهبردی) کوشیده است راه‌حل‌هایی عملی و مبتنی بر تجربه زیسته خبرگان را عرضه کند؛ امری که می‌تواند برای سیاست‌گذاران حوزه آب و روابط بین‌الملل کاربردی‌تری داشته باشد.

روش پژوهش. در این پژوهش از تحلیل پدیدارشناسی تفسیری که در چارچوب رویکرد کیفی قرار دارد، استفاده شد. رویکرد کیفی در افزایش عمق و وسعت درک از مسئله پژوهش کاربرد دارد. طراحی پدیدارشناختی در آشکار کردن معنای رایج پدیده‌هایی که ما از آن‌ها آگاه هستیم، اما ایده‌ای عمیق نداریم، مهم است. از این طریق می‌توان ایده‌های جدیدی تولید کرد و اقدامات قابل اجرا برای رویدادهای مشابه در آینده انجام داد (Usta, 2025: 3). تحلیل پدیدارشناختی کیفی و تفسیری به دلیل منحصربه‌فرد بودن و مناسب بودن آن برای بررسی و تفسیر تجربیات زیسته انتخاب شد (Alase, 2017: 3). تحلیل پدیدارشناختی تفسیری به سطح بالایی از مهارت مصاحبه‌گر همچون مهارت‌های همدلی و گوش‌دادن نیاز دارد و درک عمیقی از موضوعات پیچیده و دشوار فراهم می‌کند، و بر تجزیه و تحلیل عمیق موردی تجارب افراد در زمینه‌های منحصربه‌فرد تکیه دارد (Chala et al, 2022: 4033). در تحلیل پدیدارشناختی تفسیری، انتخاب شرکت‌کنندگان یک جنبه حیاتی است. جامعه این پژوهش شامل خبرگان و کارشناسان دارای تخصص و اطلاعات در حوزه آب‌های فرامرزی مشترک از منظر سیاسی و ژئوپلیتیک بود.

به منظور انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. نمونه‌گیری هدفمند برای شناسایی و انتخاب موارد غنی از اطلاعات استفاده شد (Creswell, 2014). شرکت‌کنندگان بر اساس شباهت‌های مشترک انتخاب شدند. مصاحبه‌ها تا زمانی انجام شد که اطلاعات کافی در مورد موضوع به دست آید، و اشباع داده‌ها حاصل گردد. اگرچه نظرات

متفاوتی در مورد حجم نمونه در مطالعات پدیدارشناسی وجود دارد، اما در کل ۱۰ تا ۲۰ نفر کافی هستند. در این پژوهش، تعداد شرکت‌کنندگان به‌طور مداوم ارزیابی شدند تا اشباع داده‌ها حاصل شود، چراکه در تحقیقات کیفی، نمونه‌گیری بیش‌ازحد می‌تواند باعث پیچیده شدن داده‌ها و از دست دادن تمرکز شود (Braun & Clarke, 2021: 12). در نهایت، اشباع داده‌ها توسط ۲۰ نفر برآورده شد. در جدول شماره (۱)، مشخصات مصاحبه‌شوندگان گزارش شده است:

جدول شماره (۱). مشخصات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	سن	جنسیت	مقطع و گرایش تحصیلی	محل تحصیل (فعالیت)
۱	۴۸	مرد	دکتری- علوم سیاسی	دانشگاه آزاد اسلامی نیشابور
۲	۳۹	مرد	دکتری- روابط بین‌الملل	دانشگاه تهران
۳	۵۱	مرد	کارشناسی‌ارشد- علوم سیاسی	پیام‌نور قوچان
۴	۴۶	زن	دکتری- جامعه‌شناسی سیاسی	دانشگاه تهران
۵	۴۵	مرد	کارشناسی‌ارشد- علوم سیاسی	پیام‌نور قوچان
۶	۳۱	مرد	دانشجوی دکتری- اندیشه سیاسی	دانشگاه تهران
۷	۵۱	مرد	دانشجوی دکتری- اندیشه سیاسی	دانشگاه آزاد اسلامی همدان
۸	۳۳	مرد	دانشجوی دکتری- جامعه‌شناسی سیاسی	دانشگاه شاهد
۹	۴۱	مرد	دکتری- جامعه‌شناسی سیاسی	پژوهشگر حوزه روابط بین‌الملل
۱۰	۴۳	مرد	کارشناسی‌ارشد- علوم سیاسی	پژوهشگر حوزه منابع آبی
۱۱	۴۸	مرد	دکتری- مسائل ایران	دانشگاه آزاد اسلامی نیشابور
۱۲	۵۲	مرد	کارشناسی‌ارشد- جامعه‌شناسی سیاسی	پیام‌نور خراسان رضوی و پژوهشگر
۱۳	۴۵	زن	دکتری- جامعه‌شناسی سیاسی	دانشگاه شاهد
۱۴	۴۲	مرد	دکتری- روابط بین‌الملل	دانشگاه آزاد اسلامی تهران
۱۵	۴۰	زن	دکتری- اندیشه سیاسی	پیام‌نور خراسان رضوی
۱۶	۳۳	مرد	کارشناسی‌ارشد- علوم سیاسی	نویسنده مستقل
۱۷	۴۶	مرد	دکتری- جامعه‌شناسی سیاسی	دانشگاه تهران
۱۸	۳۸	زن	کارشناسی‌ارشد- جامعه‌شناسی سیاسی	پژوهشگر حوزه منابع آبی
۱۹	۶۵	مرد	دکتری علوم سیاسی	دانشگاه فردوسی مشهد
۲۰	۴۸	مرد	دانشجوی دکتری- مسائل ایران	دانشگاه آزاد شاهرود

منبع: یافته‌های پژوهشگر

مراحل تحقیق شامل انتخاب شرکت کنندگان، تهیه راهنمای مصاحبه، اجرای روش نمونه‌گیری و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها بود. از آنجایی که تحقیق شامل کسب اطلاعات عمیق از کارشناسان است، فرم مصاحبه نیمه‌ساختاریافته تهیه شد. در مرحله اول مروری بر ادبیات انجام و نظرات کارشناسان ارزیابی شد. مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته برای ایجاد شرح مفصلی از تجربه افراد انجام شد که هدف آن استخراج گزارشی غنی، مفصل و اول شخص از تجربیات شرکت کنندگان بود. مزایای مصاحبه این بود که مدیریت آن‌ها آسان بود، اجازه می‌داد تا یک رابطه پایدار ایجاد شود، و امکان گفتگوی عمیق و شخصی بین محقق و شرکت کننده فراهم شود.

سؤالات مصاحبه نیمه ساختاریافته، باز بودند. این سؤالات تضمین می‌کرد که شرکت کنندگان فرصتی برای استراحت، صحبت آزادانه با ارائه جزئیات، نظرات و بینش در مورد تجربیات خود فراتر از محدودیت‌های سؤالات مصاحبه دارند. مصاحبه‌ها بین ۳۰ تا ۷۵ دقیقه به طول انجامید. مصاحبه‌ها برای رونویسی ضبط شدند. چندین بار به خواندن مصاحبه‌های ضبط‌شده برای درک کامل محتوا اقدام، و در جهت فهم شباهت‌ها، تفاوت‌ها و تناقضات در سخنان اقدام شد. رونوشت‌ها چندین بار خوانده شدند، و یادداشت‌های جدید با توسعه بینش‌های جدید اضافه شدند.

به منظور رعایت ملاحظات اخلاقی؛ مصاحبه با بیان هدف و ماهیت تحقیق و در نظر گرفتن رضایت آگاهانه و حق انصراف آغاز شد. بیان شد که مشارکت کاملاً داوطلبانه بوده و اطلاعات هویتی و سوابق مصاحبه شرکت کنندگان در اختیار اشخاص ثالث قرار نخواهد گرفت. دقت شد که بین محقق و شرکت کنندگان تضاد منافع وجود نداشته باشد. شرکت کنندگان درک روشنی از آنچه شرکت در تحقیق قبل از پذیرش نیاز داشت، دریافت کردند. به شرکت کنندگان دعوت‌نامه‌ای برای شرکت ارسال شد که در آن از آن‌ها خواسته شد قبل از پاسخ دادن، سؤالات مصاحبه را بررسی کنند.

تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های صورت گرفته با استفاده از روش کدگذاری و طی سه مرحله کدگذاری اولیه، ثانویه و نهایی انجام شد که شامل سه مرحله کدگذاری باز، محوری، و انتخابی است. بدین منظور، ابتدا از روش کدگذاری باز استفاده شد که شامل فرایند تجزیه داده‌ها به مفاهیم، مقوله‌ها، و زیرمقوله‌های معنادار بود. این اقدام، شامل شناسایی الگوها و اشتراکات پاسخ‌ها و درک عمیق‌تر از نگرش آن‌ها بود. سپس، کدگذاری محوری برای ایجاد ارتباط بین مفاهیم و مضامین انجام شد. این اقدام شامل سازمان‌دهی داده‌ها حول یک

پدیده مرکزی و بررسی روابط با متغیرهای مختلف بود که به توضیح پیچیدگی نگرش مصاحبه‌شوندگان کمک کرد. درنهایت، کدگذاری انتخابی به منظور پالایش بیشتر و توسعه مضامین اصلی انجام شد. این اقدام شامل انتخاب مرتبط‌ترین و مهم‌ترین مقوله‌ها و ابعادی بود که برای درک مسئله پژوهش اهمیت داشت.

برای اعتباربخشی به یافته‌ها، از چهار معیار قابلیت اعتبار، قابلیت اطمینان، قابلیت انتقال و قابلیت تأییدپذیری استفاده شد (لینکلن و گوبا، ۱۹۸۵؛ به نقل از صالحی وثیق و اکبرپور آلمه جوقی، ۱۴۰۲: ۱۸۹-۱۸۸). قابل اعتماد بودن مسئولیت مشترک شرکت‌کنندگان و محقق است. اعتبار از طریق مشارکت طولانی مدت که توسط لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) بیان شده است، ایجاد شد. اعتماد باعث ایجاد گفتگو و تمایل به اشتراک‌گذاری در طول مصاحبه شد. اعتبار با اطمینان از یافته‌های قابل انتقال به دست آمد. قابلیت اطمینان با ارائه یک فرایند تحقیقاتی مستند ایجاد شد. اطمینان حاصل شد که فرایند تحقیق مستند و شفاف باشد. انتقال‌پذیری بر تعمیم‌یافته‌ها به سایر زمینه‌ها یا جمعیت‌ها تأکید دارد. برای افزایش قابلیت انتقال، شرح مفصلي از زمینه تحقیق، شرکت‌کنندگان و روش‌های جمع‌آوری داده‌ها ارائه شد. تأییدپذیری با تأیید سوگیری و پیش‌فرض‌های احتمالی محقق مورد بررسی قرار گرفت. تأییدپذیری به عینیت و بی‌طرفی یافته‌ها اشاره دارد. با مطالعه تحقیقات پیشین، تلاش شد تأییدپذیری مطالعه بهبود بخشیده شود، و امکان بررسی و ارزیابی توسط دیگران فراهم شود.

۱. یافته‌های پژوهش و تحلیل

هدف از این پژوهش، تحلیل تجربیات کارشناسان و خبرگان بود که در حوزه منابع آبی به‌ویژه از منظر سیاسی و جغرافیایی دارای تخصص بودند. بعد از جمع‌آوری داده‌ها از بین این افراد، این بخش به تجزیه و تحلیل داده‌ها اختصاص داشت تا یافته‌های تحقیق ارائه گردد. ابتدا جدول مشخصات کدها گزارش شده است:

جدول شماره (۲). مشخصات کدهای شناسه

S1-Sn	P1-Pn
منظور از K، فرد مصاحبه‌شونده یا همان کارشناسان است که از نفر اول تا نفرات آخر را شامل شدند.	منظور از P، مخفف کلمه پوینت به معنی نکته یا نکات کلیدی است که از مصاحبه با دانشجویان استخراج شد.

منبع: یافته‌های پژوهشگر

در ادامه و در بخش تجزیه و تحلیل داده‌ها، ابتدا نکات کلیدی و کدهای باز مربوط به هر مصاحبه استخراج شد. در جدول ۳، نکات کلیدی و کدهای باز حاصل از چندین مصاحبه گزارش شده است:

جدول (۳). نکات کلیدی و کدهای باز حاصل از شناسایی راهبردهای حل اختلافات آبی ایران و افغانستان در حوضه هریرود

کدهای شناسه	نکات کلیدی	کدهای باز
K1	توجه به حقوق کشورهای پایین دست	منافع کشورهای پایین دست
	استفاده از ابزارهای دستگاه دیپلماسی به عنوان یک راه حل دیپلماتیک در جهت منافع ملی طرفین	راه حل دیپلماتیک
	استفاده از مجامع و نهادهای بین المللی به منظور گفت و گوهای مؤثرتر	نقش نهادهای بین المللی
	پیشنهاد تولید محتوای آموزشی و رسانه‌ای	محتوای آموزشی و رسانه‌ای
	حمایت از پلتفرم‌های منطقه‌ای گفت و گوی آبی	گفت و گوهای مفصل آبی
	تدوین سیاست‌های حمایت از جوامع آسیب پذیر مناطق مرتبط با حوضه آبی مشترک	تدوین سیاست‌های حمایتی
K2	شناسایی نقش کاهش جریان طبیعی رودخانه هریرود در بروز خسارت‌های اجتماعی و زیست محیطی به عنوان یک امر ناقض حقوق عرفی	در نظر گرفتن خسارت‌های اجتماعی و زیست محیطی
	نقش جوامع محلی در دیپلماسی آب	جوامع محلی
	تأکید بر حق توسعه پایدار و حق استفاده منطقی از آب به طور توأمان	تأکید بر حق توسعه پایدار
	برگزاری کمپین‌های آگاهی رسانی عمومی	آگاهی رسانی عمومی
	به روز رسانی مستمر اطلاعات و داده‌های هیدرولوژیکی استفاده از فناوری و پایش مشترک منابع	به روز رسانی اطلاعات فناوری و پایش مشترک منابع
K5	فشار دیپلماتیک برای تجدیدنظر افغانستان در سیاست‌های آبی	فشار دیپلماتیک
	تدوین استراتژی آب و برنامه ریزی برای طرح‌های توسعه آبی	برنامه ریزی برای طرح‌های توسعه آبی
	ایجاد مراکز تحقیقاتی و حمایت از پروژه‌های مشترک توسعه پایدار	ایجاد مراکز تحقیقاتی مشترک

طراحی سازوکارهای مشارکتی	طراحی سازوکارهای مشارکتی برای مدیریت بحران‌های آبی	
استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر	استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر در مدیریت منابع آب	
تعیین دقیق مرزهای آبی	تعیین دقیق مرزهای آبی دو کشور و الزام به رعایت آن	K6
فناوری‌های نوین در بهره‌برداری و مدیریت آب	استفاده از فناوری‌های نوین در بهره‌برداری و مدیریت آب	
نقش کارشناسان و متخصصان	تسهیل رفت‌وآمد کارشناسان و متخصصان منابع آبی بین کشورها	
ظرفیت‌سازی اجتماعی	استفاده از ظرفیت‌سازی اجتماعی برای حل اختلافات	
گفت‌وگوی بین فرهنگی	گفت‌وگوهای بین فرهنگی بین طرفین	
اعتمادسازی	تقویت شفافیت و اعتمادسازی بین طرفین	
تدوین سازوکارهای الزام‌آور دوجانبه	ایجاد سازوکارهای الزام‌آور دوجانبه برای دستیابی به توافق پایدار در حوضه هریرود	
ابزارهای دیپلماتیک و حقوقی	توسل به ابزارهای دیپلماتیک و حقوقی	K9
سازمان‌های مردم‌نهاد	استفاده از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد	
نشست‌های فنی و سیاسی	برگزاری نشست‌های منظم فنی و سیاسی	
ترویج دیپلماسی علمی	ترویج دیپلماسی علمی و کاربرد مراکز دانشگاهی	K10
کاربرد قدرت نرم	بکارگیری قدرت نرم در جهت رسمیت شناختن سهم آبی ایران توسط حاکمیت افغانستان	
تدوین رژیم حقوقی بهره‌برداری	تدوین رژیم حقوقی بهره‌برداری از رودخانه هریرود	
حل‌وفصل از طریق گفت‌وگو	ترجیح خبرگان به حل‌وفصل از طریق گفت‌وگو، نه فشار یا تهدید	K13
مشارکت در پروژه‌های کاهش خطر	تبادل نیروهای متخصص و کارشناسان با مشارکت در پروژه‌های کاهش خطر بلایای طبیعی	
تنظیم نحوه تخصیص منابع آبی	تنظیم منابع آب در افغانستان و تنظیم نحوه تخصیص منابع آبی	K13
معامله‌های هوشمندانه	به‌کارگیری معامله برد - برد و هوشمندانه به‌عنوان ابزار حل اختلافات در میز مذاکره	

تبادلات در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی مشترک	تبادلات اجتماعی و فرهنگی	
تدوین معیارهای منصفانه تخصیص آب	معیارهای منصفانه تخصیص آب	
حمایت از کشاورزی پایدار در حوضه مرزی مشترک هریرود	حمایت از کشاورزی پایدار	
ایجاد منافع مشترک به منظور کاهش اختلافات	تأکید بر منافع مشترک	K14
پیگیری مسئله حبابه از سوی وزارت خارجه و نهادهای حکومتی	پیگیری وزارت خارجه و نهادهای حکومتی	
تأکید بر شیوه‌های بهره‌برداری صحیح از منابع آبی و مسئله سهم‌بندی آب هریرود	بهره‌برداری صحیح از منابع آبی	
استفاده از ظرفیت رسانه‌ها برای ترویج همکاری	تأکید بر ظرفیت رسانه‌ها	
تقویت ارتباط بین نهادهای اقتصادی و فنی دو کشور	ارتباط نهادهای اقتصادی و فنی	
بهره‌برداری نوبتی از منابع آب از طریق ترسیم برنامه راهبردی مدون و انکارناپذیر	ترسیم برنامه راهبردی مدون	
نگاه راهبردی در دیپلماسی آب بر مبنای اصول و قواعد بین‌المللی	اصول و قواعد بین‌المللی	
در نظر گرفتن اقدامات جبرانی انگیزشی از طریق دادوستدهای اقتصادی	دادوستدهای اقتصادی	
مستندسازی تجارب همکاری‌های موفق در سایر مناطق جهان	تجارب همکاری‌های موفق جهانی	K17
تعریف شاخص‌های عملکردی همکاری از طریق تدوین سند چشم‌انداز مشترک آبی	تدوین سند چشم‌انداز مشترک آبی	
اعمال فشار دیپلماتیک برای تعیین رژیم‌های بهره‌برداری پایدار	اعمال فشار دیپلماتیک	
مذاکراتی جامع با همراهی تیم‌های فنی در زمینه‌های مختلف	مذاکرات جامع	K18
حکمرانی مؤثر به منظور تشویق راه‌حل‌های همکارانه بین ذی‌نفعان	تشویق راه‌حل‌های همکارانه	
تبادلات در حوزه انرژی و فناوری	تبادلات انرژی و فناوری	
تشویق به سرمایه‌گذاری مشترک در زیرساخت‌ها	سرمایه‌گذاری مشترک در زیرساخت‌ها	
ایجاد نظام‌های جبران خسارت منصفانه	نظام‌های جبران خسارت منصفانه	
ترویج فرهنگ صلح در حوضه منابع آبی	ترویج فرهنگ صلح	
استفاده از سازوکارهای دیپلماسی آب برای مدیریت مشترک منابع	سازوکارهای دیپلماسی آب	

جدول (۳) حاصل مرحله نخست کدگذاری در فرایند تحلیل داده‌هاست. در این مرحله، نکات کلیدی برگرفته از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، شناسایی و در قالب «کدهای باز» سازمان‌دهی شدند. این کدها بازتاب‌دهنده مهم‌ترین دغدغه‌ها، ادراکات و پیشنهاد‌های خبرگان و کارشناسان درباره راهبردهای حل اختلافات آبی در حوضه هریرود هستند. سپس، با تجمیع و مقایسه مستمر کدها، مؤلفه‌هایی اولیه شکل گرفتند که مبنای کدگذاری محوری و استخراج مقولات اصلی در مراحل بعدی شدند. بنابراین، جدول (۳) مسیر گذار از داده خام به مفاهیم اولیه را نشان داده و نقطه شروع تحلیل عمیق‌تر در پژوهش محسوب می‌شود. در جدول ۴، مؤلفه‌های حاصل از شناسایی راهبردهای حل اختلافات آبی ایران و افغانستان در حوضه هریرود ارائه شده است:

جدول شماره (۴). مؤلفه‌های حاصل از شناسایی راهبردهای حل اختلافات آبی ایران و افغانستان در حوضه هریرود

مؤلفه‌های کسب‌شده	کدهای باز	کدهای شناسه
منافع متقابل	منافع کشورهای پایین‌دست؛ تأکید بر حق توسعه پایدار؛ فناوری و پایش مشترک منابع؛ ایجاد زیرساخت‌های مشترک ذخیره‌سازی آب؛ نقش منافع و هزینه‌های همکاری؛ ایجاد مراکز تحقیقاتی مشترک؛ تعیین دقیق مرزهای آبی؛ تدوین رژیم حقوقی بهره‌برداری؛ تدوین رژیم حقوقی مدون؛ شناسایی ضعف‌های اصل حاکمیت سرزمینی؛ تنظیم نحوه تخصیص منابع آبی؛ معیارهای منصفانه تخصیص آب؛ تأکید بر منافع مشترک؛ هماهنگ‌سازی سیاست‌های ملی؛ ساختارهای مدیریت مشارکتی؛ تشویق راه‌حل‌های همکاری؛ سرمایه‌گذاری مشترک در زیرساخت‌ها؛ سیاست‌های بازتوزیع منصفانه منابع	K1 P1: K2 P3: K2 P6: K5 P4: K4 P7: K5 P3: K6 P1: K10 P2: K11 P5: K12 P2: K13 P1: K13 P4: K14 P1: K15 P2: K15 P5: K18 P2: K18 P4: K19 P3
دیپلماسی رسمی و غیررسمی	راه‌حل دیپلماتیک؛ گفت‌وگوهای مفصل آبی؛ فشار دیپلماتیک؛ تدوین سازوکارهای الزام‌آور دوجانبه؛ سیاست خارجی رسمی؛ برگزاری نشست‌های مشترک؛ دیپلماسی نرم؛ ابزارهای دیپلماتیک و حقوقی؛ نشست‌های فنی و سیاسی؛ کاربرد قدرت نرم؛ حل‌وفصل از طریق گفت‌وگو؛ سازوکارهای سازش و مذاکره؛ مذاکرات فنی؛ معامله‌های	K1 P2: K1 P5: K5 P1: K6 P7: K7 P3: K8 P3: K8 P4: K9 P1: K9 P3: K10 P1: K10 P3: K11 P1: K11 P4: K13 P2: K14 P2: K16 P2: K17 P5: K18 P1: K18 P7: K20 P4

	هوشمندانه؛ پیگیری وزارت خارجه و نهادهای حکومتی؛ دیپلماسی فنی؛ اعمال فشار دیپلماتیک؛ مذاکرات جامع؛ سازوکارهای دیپلماسی آب؛ مراودات سیاسی	
K1 P3: K4 P1: K7 P5: K8 P1: K11 P7: K12 P3: K16 P3: K17 P1: K17 P3: K19 P1	نقش نهادهای بین‌المللی؛ همکاری مؤسسات بین‌المللی؛ نهادهای توسعه‌ای بین‌المللی؛ ظرفیت سازمان‌ها و معاهدات بین‌المللی؛ الگوبرداری تجربه‌های جهانی؛ سازوکارهای حقوقی بین‌المللی؛ سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی؛ اصول و قواعد بین‌المللی؛ تجارب همکاری‌های موفق جهانی؛ قوانین بین‌المللی	نهادهای بین‌المللی
K1 P4: K2 P5: K4 P6: K11 P2: K12 P5: K14 P4: K19 P2	محتوای آموزشی و رسانه‌ای؛ به‌روزرسانی اطلاعات؛ پیاده‌سازی پروژه‌های آزمایشی؛ فناوری‌های نظارتی مشترک؛ سناریونویسی؛ تأکید بر ظرفیت رسانه‌ها؛ ایجاد بسترهای دیجیتال	دوره‌های آموزشی
K1 P6: K3 P1: K12 P6: K14 P5: K15 P3: K16 P1: K17 P2: K18 P3: K20 P7	تدوین سیاست‌های حمایتی؛ نقش مسیرهای انرژی مشترک؛ تبادلات تجاری و اقتصادی؛ ارتباط نهادهای اقتصادی و فنی؛ محصولات استراتژیک و خدمات مهندسی؛ تعاملات اقتصادی؛ دادوستدهای اقتصادی؛ تبادلات انرژی و فناوری؛ اشتراک تجهیزات	تعاملات اقتصادی
K2 P1: K4 P2: K4 P4: K5 P5: K8 P2: K10 P4: K13 P5: K16 P4: K20 P6	در نظر گرفتن خسارت‌های اجتماعی و زیست‌محیطی؛ پیوند آب با امنیت انسانی؛ یکپارچه‌سازی سیاست‌های زیست‌محیطی؛ استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر؛ درک مشترک معضلات اجتماعی و اقتصادی؛ مشارکت در پروژه‌های کاهش خطر؛ حمایت از کشاورزی پایدار؛ توجه به آثار زیست‌محیطی؛ ارزیابی‌های مشترک خطرات محیط‌زیستی	مسائل زیست‌محیطی
K2 P2: K2 P4: K3 P3: K3 P5: K4 P3: K5 P4: K6 P2: K6 P3: K7 P1: K7 P2: K7 P4: K9 P2: K9 P4: K11 P3: K19 P5: K20 P5	جوامع محلی؛ آگاهی‌رسانی عمومی؛ سامانه‌های داوطلبانه حل‌وفصل اختلافات؛ ظرفیت دانشگاهی و مراکز علمی؛ سامانه اطلاعات جغرافیایی؛ طراحی سازوکارهای مشارکتی؛ فناوری‌های نوین در بهره‌برداری و مدیریت آب؛ نقش کارشناسان و متخصصان؛ ایجاد کمیسیون مشترک اطلاعاتی؛ همکاری‌های علمی و فنی؛ ظرفیت نهادهای سنتی و محلی؛ سازمان‌های مردم‌نهاد؛ ترویج دیپلماسی علمی؛ نقش افکار عمومی؛ آگاهی‌سازی بحران آب؛ مشارکت جامعه محلی	هم‌افزایی علمی و محلی

K3 P2: K5 P2: K12 P1: K20 P3	سازوکارهای پایش عملکردی؛ برنامه‌ریزی برای طرح‌های توسعه آبی؛ عزم و اراده؛ نصب ایستگاه‌های سنجش مشترک	اراده اجرایی
K3 P4: K6 P4: K6 P5: K13 P3: K18 P6: K19 P4: K19 P6	حمایت از فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی؛ ظرفیت‌سازی اجتماعی؛ گفت‌وگوی بین فرهنگی؛ تبادلات اجتماعی و فرهنگی؛ ترویج فرهنگ صلح؛ استناد بر فرهنگ اسلامی مشترک؛ تبادلات سیاسی و اجتماعی	تعاملات فرهنگی و اجتماعی
K6 P6: K7 P6: K8 P5: K11 P6: K12 P4: K14 P3: K15 P1: K16 P5: K18 P5: K20 P1: K20 P2	اعتمادسازی؛ تدوین پروتکل‌های رفتاری مطلوب؛ تقویت شفافیت سدسازی؛ ساختارهای تصمیم‌گیری چندسطحی؛ تبادل اطلاعات و داده‌ها؛ بهره‌برداری صحیح از منابع آبی؛ نظام پایدار نظارتی؛ سازوکارهای حل اختلاف؛ جبران خسارت منصفانه؛ سازوکارهای اعتمادساز دوجانبه؛ اعتمادسازی میان دولتی	شفافیت
K3 P6: K14 P6: K15 P4: K17 P4: K20 P8	تدوین نقشه‌های مشترک؛ ترسیم برنامه راهبردی مدون؛ نهاد پیگیری اجرای توافقات و نظارت بر تعهدات؛ تدوین سند چشم‌انداز مشترک آبی؛ ایجاد بانک اطلاعاتی مدون	سند راهبردی

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول شماره (۴) مؤلفه‌های به‌دست‌آمده از کدهای باز مرحله نخست را نشان می‌دهد. این مؤلفه‌ها حاصل تجمیع و هم‌پوشانی کدهای مشابه هستند و در واقع بیانگر دسته‌بندی مفهومی اولیه از راهبردهای پیشنهادی کارشناسان و خبرگان به‌منظور حل اختلافات آبی در حوضه هریرود می‌باشند. مؤلفه‌ها در این مرحله نقشی واسطه‌ای دارند و مسیر گذار از داده‌های خام (نکات کلیدی و کدهای باز) به سطح مقولات محوری را فراهم می‌کنند. پس از شناسایی مؤلفه‌ها، نیاز بود تا مهم‌ترین آن‌ها دسته‌بندی شده و مقوله محوری و منابع داده‌ها (اطلاعرسان‌ها) تعیین گردد. در جدول (۵)، مقوله‌های اصلی و منابع داده‌ها گزارش شده است:

جدول شماره (۵). مقوله‌ها و زیر مقوله‌های استخراج‌شده از مصاحبه‌ها

مقوله‌های اصلی	منابع داده‌ها (اطلاعرسان‌ها)
منافع متقابل (۱۸)	۱، ۲، ۲، ۵، ۴، ۷، ۵، ۶، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۵، ۱۸، ۱۸، ۱۹
دیپلماسی رسمی و غیررسمی (۲۰)	۱، ۱، ۵، ۶، ۷، ۸، ۸، ۹، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۸، ۲۰
نهادهای بین‌المللی (۱۰)	۱، ۴، ۷، ۸، ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۱۷، ۱۷، ۱۹
دوره‌های آموزشی (۷)	۱، ۲، ۴، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۹
تعاملات اقتصادی (۹)	۱، ۳، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۰
مسائل زیست‌محیطی (۹)	۲، ۴، ۴، ۵، ۸، ۱۰، ۱۳، ۱۶، ۲۰
هم‌افزایی علمی و محلی (۱۶)	۲، ۲، ۳، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۷، ۹، ۹، ۱۱، ۱۹، ۲۰
اراده اجرایی (۴)	۳، ۵، ۱۲، ۲۰
تعاملات فرهنگی و اجتماعی (۷)	۳، ۶، ۶، ۱۳، ۱۸، ۱۹، ۱۹
شفافیت (۱۱)	۶، ۷، ۸، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۲۰، ۲۰
سند راهبردی (۵)	۳، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۲۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول شماره (۵) این مقولات را همراه با منابع داده‌ای آن‌ها (مصاحبه‌شوندگان و اطلاعرسان‌ها) گزارش می‌کند. این مقولات محوری، هسته اصلی تحلیل پژوهش را تشکیل داده و ابعاد مختلف راهبردهای حل اختلافات آبی ایران و افغانستان در حوضه هریرود را در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، حقوقی و زیست‌محیطی تبیین می‌نمایند. با توجه به تجزیه و تحلیل انجام‌گرفته، مجموعه این عوامل (مقوله‌ها) می‌توانند در قالب ابعاد سیاسی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، حقوقی و زیست‌محیطی بر حل اختلافات آبی ایران و افغانستان در حوضه هریرود تأثیرگذار باشند و به‌عنوان مهم‌ترین راهبردها در این حوضه شناخته شوند.

۲. راهبردهای استخراج شده

در این بخش، راهبردهای استخراج شده از دیدگاه کارشناسان و خبرگان مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است:

مشارکت عمومی جهت دستیابی به توافق پایدار. با مروری بر نگرانی‌های تاریخی و کنونی آب حوضه هریرود، مدیریت منابع آب فرامرزی بر اساس همکاری و اشتراک منافع بین کشورهای ساحلی امری حیاتی است. برای تحقق مؤثر منافع حاصل از این حوضه، مشارکت بخش عمومی یک راهکار قابل پیشنهاد است. نظام مشارکتی با حضور همه ذی‌نفعان و تصمیم‌گیران به خصوص وزارت نیرو و وزارت جهاد کشاورزی می‌تواند به نظر گرفتن تمام معیارهای اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، حقوقی و سیاسی باهدف توسعه پایدار منابع آبی مشترک کمک نماید (کاظم‌زاده و شفیع، ۱۴۰۰: ۱۲۱). مکانیزم‌های افزایش مشارکت، ممکن است متشکل از کارشناسان آب و مشاوران سیاست برای مشاوره‌های مداوم و مدیریت مشترک منابع آب باشند.

این مکانیسم مزایای مقرون‌به‌صرفه، بهبود تأمین آب، تولید برق آبی، و تولیدات کشاورزی، و همچنین پیشرفت‌های اجتماعی و اقتصادی آینده را برای افرادی که در حوضه رودخانه زندگی و فعالیت می‌کنند، تسهیل می‌کند. چراکه حوضه هریرود یک ساختار آبی فرامرزی بین افغانستان و ایران است که به‌عنوان بخش مهمی از امنیت آب منطقه‌ای برای هر دو دولت-ملت عمل می‌کند (Moorthy & Bibi, 2023: 2). در همین ارتباط، نوذری پور و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهش خود نشان دادند که مشارکت بخش عمومی در اجرای پروژه‌های زیرساختی در حوزه آب، موجب بهبود ارائه خدمات، بهبود اثربخشی هزینه‌ها، افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های عمومی، کاهش ریسک بخش عمومی، تحویل سریع‌تر پروژه‌ها، بهبود قطعیت بودجه و استفاده بهینه از سرمایه‌ها می‌گردد.

اصول منطقی و عادلانه و توجه به نقش نهادها برای بهره‌برداری مطلوب از منابع آبی مشترک. ترس ناشی از بهره‌برداری بیش از حد و کاهش منابع آبی، بحث‌های گسترده‌ای را در رسانه‌های عمومی ایجاد کرده است، عناوینی مانند «افغانستان، مشهد را خشک می‌کند»، «تأمین از پروژه‌های سدسازی افغانستان» و «چرا سد در افغانستان ممکن است صلح را از بین ببرد» مکرر دیده می‌شوند (Peterson, 2013: 30). این نگرانی‌ها ممکن است ناشی از عدم مذاکره شفاف بین دو کشور و ماهیت پیچیده سیاسی منطقه باشد که تحت‌تأثیر بی‌ثباتی افغانستان بوده است. در هر صورت، ایران با احداث سد دوستی در سال ۱۳۸۴ و «تأکید بر اصول صحیح امنیت انسانی، عادلانه بر حق فعلی و تاریخی» خود در مورد آب و استفاده منطقی و بدون ضرر اصرار دارد.

در این ارتباط، مشهدی و شریفی کیا (۱۴۰۳)، در پژوهش خود با عنوان رژیم حقوقی بهره‌برداری از منابع آبی رودخانه‌های بین‌المللی (مورد مطالعه: هریرود)، از منظری حقوقی به بهره‌برداری مشترک از حوضه هریرود پرداخته است. این پژوهش بر تئوری حاکمیت سرزمینی محدود و اجرای اصل استفاده معقول و منصفانه از منابع آبی مشترک توسط افغانستان و بدون آسیب رساندن به دولت‌های پایین دست تأکید کرده است. بنابراین، یکی از راهبردهای مهم، افزایش همکاری با نهادهای حوزه آب و توافق‌نامه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در جهت حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات است. وجود یک نظام نهادی کارآمد، یکپارچه و مشارکت‌کننده از الزامات مدیریت منابع آب در حوضه‌های فرامرزی مشترک است و این امر از طریق استقرار سازوکارهای همکاری بین بخشی و فرابخشی امکان‌پذیر است (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۹-۳۷).

عدم توجه به این مسئله، سبب تغییر اقلیم و تداوم خشک‌سالی‌ها، تغییر سبک زندگی و به تبع آن ضرورت تولید برخی محصولات کشاورزی استراتژیک و همچنین تشدید بحران هیدروپلیتیک بین ایران و افغانستان خواهد شد؛ بنابراین، باید موضوع با حمایت از حقوق افغانستان و ایران در چارچوب قانون و عدالت بین‌المللی آب حل گردد. چنان‌که اکبرپور آلمه جوقی (۱۴۰۴) در پژوهش خود بر امکان حل اختلافات آبی ایران و افغانستان در حوضه هریرود از طریق چارچوب قانونی، عدالت بین‌المللی و استفاده از نهادهای بین‌المللی تأکید کرده است. استفاده از نهادهای راهی ارائه می‌دهد تا به منظور حل اختلافات آبی از سازمان‌ها و تشکل‌های بین‌المللی مرتبط مانند سازمان ملل متحد و کمیسیون مشترک تصمیمات مشروع آب کاربردی جهت تسهیل مذاکرات و حل اختلافات استفاده شود. حسینی گوکی (۱۴۰۳) نیز در پژوهش خود بر نقش نهادهای بین‌المللی در حل اختلافات آبی حوضه هریرود تأکید کرده است.

تأکید بر در نظر گرفتن اصول امنیتی در بهره‌داری از منابع آبی. تضمین مدیریت کارآمد آب و استفاده بهینه از منابع آب‌های فرامرزی مشترک به روشی پایدار و عادلانه، از حیث امنیتی نیز حائز اهمیت است. از دیدگاه افغانستان، آب منبع اصلی استراتژیک برای توسعه در سیاست‌های کشور و به نوبه خود، توسعه آب یکی از مهم‌ترین مسائل امنیتی به‌ویژه در فضای سیاسی آسیب‌پذیر آن است. همچنین توسعه آب، سیاستی اساسی برای کاهش شرایط آسیب‌پذیر اجتماعی - اقتصادی تلقی می‌شود (Joya, 2012: 17). اما نیازهای اقتصادی - اجتماعی کشورهای پایین دست نیز وابستگی زیادی به این آب مشترک دارد.

چراکه نادیده گرفتن منافع کشورهای پایین دست ممکن است رقابت‌های منطقه‌ای را افزایش دهد. این دوگانگی ممکن است منجر به عدم توزیع متناسب منافع در استفاده از یک منبع مشترک شود (McIntyre, 2016: 97).

احداث بند سلما و پاشدان در افغانستان، منابع آبی منطقه خراسان رضوی را تحت‌تأثیر قرار داده و تنش‌های منطقه‌ای را ایجاد کرده است. چراکه آب هریود، تأمین‌کننده بخش اعظم آب این استان است؛ بنابراین احداث این سد، بر بحران آب در ایران و به‌ویژه سکونتگاه‌های شمال شرق کشور تأثیرات منفی گذاشته است. چنان‌که کریمی و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهش خود نشان دادند افغانستان سیاست‌های یک‌جانبه‌ای را در حوضه هریود اعمال کرده و متمایل به استفاده ابزاری از این حوضه بوده است. مسئله‌ای که می‌تواند به تهدیدات امنیتی در این منطقه پرچالش منجر گردد و سیاست‌های تقابلی را در برداشته باشد. همچنین محمودزاده و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهش خود نشان داده‌اند عدم تسهیم منابع آبی مشترک می‌تواند دارای تبعات اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی باشد. در نتیجه، افزایش همکاری‌ها و مدیریت بهینه منابع آبی حوضه هریود می‌تواند از روابط پرتنش و تبعات سیاسی و امنیتی بکاهد.

اصول دیپلماسی مستقیم و غیرمستقیم بهره‌برداری از آب. دیپلماسی آب رسمی و غیررسمی راهی برای یافتن راه‌حلی برای حل مشکلات آب و مدیریت آن است. این مسیر باید دوجانبه یا چندجانبه باشد و نه تنها دیپلمات‌ها و وزارت امور خارجه را در برگیرد، بلکه شامل همه بازیگران تشکیل‌دهنده دولت‌ها و ملاحظات سیاسی و فرهنگی باشد. هدف همکاری، ارائه چندین مزیت برای کشورها از جمله حل‌وفصل درگیری‌های فرامرزی است. از طریق ایجاد نهادهای رسمی و غیررسمی، همه این فرایندها آسان‌تر می‌شوند. چنان‌که اکبرپور آلمه جوقی و همکاران (۱۴۰۲)، در پژوهش خود نشان دادند مسیرهای رسمی و غیررسمی دیپلماسی آب با تمرکز بر توافقات منصفانه و مدیریت مشترک منابع آبی می‌تواند به حل اختلافات و تضمین تقسیم عادلانه منابع آب منجر شود.

با توجه به وضعیت ناپایدار امنیتی در مناطق مرزی، اختلاف در مورد آب باید به‌صورت دیپلماتیک حل شود. رامچاندران (۲۰۱۶)، در پژوهش خود نشان داد که مشکل تخصص فنی و دیپلماتیک محدود افغانستان از جمله دلایل اصلی عدم مذاکره در این حوضه بوده است. چراکه مقامات افغانستان عدم تمایل به گفتگو در مورد آب مشترک را ناشی از کمبود

داده‌ها و سوابق آب‌های سطحی افغانستان درباره تقاضا و استفاده از آب می‌دانند. آن‌ها می‌ترسند دست افغانستان در میز مذاکره ضعیف باشد. اقدام مناسب، باز کردن پای امارت اسلامی به مذاکرات دوجانبه در جهت توافقی عادلانه است. در همین ارتباط، اکبرپور آلمه جوقی (۱۴۰۴)، در پژوهش خود بر دیپلماسی چندجانبه به‌عنوان راهکار حل اختلافات آبی ایران و افغانستان در حوضه هریرود تأکید کرده است؛ بنابراین باید مسائل اصلی مرتبط با حوضه هریرود مانند تقسیم آب، افزایش کیفیت آب و مسائل محیط‌زیستی از راه دیپلماسی تعیین شود.

تأکید بر تعاملات فرهنگی و اجتماعی مشترک جهت بهره‌برداری از منابع آب. در این بخش بر اهمیت اشتراکات فرهنگی، زبانی، دینی و تاریخی میان ایران و افغانستان به‌عنوان فرصتی برای مدیریت اختلافات و تقویت ارتباطات پایدار تأکید شده است. تغییر نگرش‌های رفتاری و قانونی و برنامه‌ریزی برای ترمیم روابط اجتماعی و فرهنگی ضروری دانسته شده است (خوش‌سیما و محجوبی، ۱۴۰۱: ۶۱). همچنین، هویت مشترک به‌عنوان شاخصی مؤثر در شناخت فضاها و تقویت روابط اجتماعی معرفی شده و عناصر مشترکی مانند سرزمین سیاسی، دین، زبان، خاطرات تاریخی، دیدگاه‌های اجتماعی و فرهنگ و هنر به‌عنوان اجزای هویت ملی واحد در نظر گرفته شده‌اند که به نزدیکی مردمان دو کشور کمک می‌کنند (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۹).

درنهایت، این اشتراکات فرهنگی می‌توانند زمینه‌ساز موفقیت در مذاکرات آبی بین دو کشور باشند، به‌ویژه با توجه به روابط تاریخی و مذهبی نزدیک آن‌ها (احمدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰۱۰). این امر می‌تواند به اقدامات پیشگیرانه و واکنشی و همچنین میانجیگری و اجرای راه‌حل‌ها برای حل اختلافات، تأثیر چشمگیر بر امنیت مرزهای دو کشور و به حل مشکلات به وجود آمده و تأمین منافع آبی کمک نماید. به‌ویژه که با حاکمیت امارت اسلامی در افغانستان، اقدامات جدی جهت مهار آب‌های مرزی پیگیری شده است (کریمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۷). چنان‌که نوروزی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش خود با عنوان تبیین فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در افغانستان نشان دادند، دیپلماسی فرهنگی در مناسبات دو کشور از اهمیت زیادی برخوردار است و آگاهی از ظرفیت‌های عظیم تمدنی و فرهنگی دو کشور یک راهکار مهم در جهت تأمین منافع ملی و هم در راستای تحقق اهداف استراتژیک دو کشور است. چراکه منافع، هویت‌ها و اشتراکات مشترک هنجاری، پتانسیل قابل توجهی برای غلبه بر چالش‌های هیدروپلیتیک و حل اختلافات آبی دارد.

تأکید بر تعاملات سیاسی و اجتماعی مشترک جهت بهره‌برداری از منابع آب. در این بخش بر اهمیت توجه به ملاحظات اجتماعی و سیاسی در همکاری ایران و افغانستان برای مدیریت منابع آبی مشترک حوضه هریرود تأکید شده است. عدم همکاری می‌تواند به تنش‌های هیدروپلیتیکی بینجامد (محمودزاده و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۹۵). طالبان با رویکردی یک‌جانبه از مذاکره با ایران امتناع می‌ورزد و از موضوع حق‌آبه برای بهره‌برداری سیاسی استفاده می‌کند. از این رو، اقناع طالبان و همراه کردن آن‌ها برای پیشبرد دیپلماسی آبی ضروری است. جمهوری اسلامی باید با در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی و اجتماعی، طرف مقابل را به مذاکره و توافق ترغیب کند. افغانستان با ایجاد موانع در مسیر طبیعی رودخانه‌ها موجب نقض حقایق زیست‌محیطی شده و برای بازگشت به شرایط طبیعی باید این موانع را برطرف نماید. ارتباط تاریخی هریرود با جاده ابریشم، پتانسیلی برای نفوذ سیاسی ایران فراهم کرده است (Nagheeb & Warner, 2018: 849). بر اساس پژوهش اکبرپور آلمه جوقی و همکاران (۱۴۰۲)، در نظر گرفتن ملاحظات اجتماعی و سیاسی برای دستیابی به توافقی پایدار در حوضه هریرود ضروری است.

تأکید بر تعاملات اقتصادی و فنی مشترک جهت بهره‌برداری از منابع آب. این بخش بر اهمیت منافع و خدمات اقتصادی مشترک برای تقویت همکاری ایران و افغانستان در مدیریت بحران آب تأکید دارد. این همکاری‌ها شامل افزایش صادرات متقابل، ترانزیت کالا، صادرات برق، و فناوری آبیاری مکانیزه به افغانستان است که می‌تواند منافع دو کشور را تأمین کرده و به تفاهم دوجانبه در حل مشکلات آب کمک کند (سینایی و جمالی، ۱۳۹۰). ایران می‌تواند با افزایش صادرات استراتژیک خود به افغانستان، مانند روغن، آرد، سوخت و برق، این کشور را به همکاری در حل اختلافات آبی ترغیب کند. همچنین، توسعه همکاری‌های منطقه‌ای و توجه به امنیت انسانی از جمله مواردی است که اهمیت همکاری‌ها و مدیریت یکپارچه منابع آبی مشترک را نشان می‌دهد (سینایی، ۱۳۹۰).

اشتراک‌گذاری اطلاعات نیز به‌عنوان یک اقدام فنی مهم مطرح است، به‌ویژه با کمک ایران به ایجاد مؤسسه تحقیقاتی در وزارت انرژی و آب افغانستان برای افزایش داده‌های منطقه‌ای (King & Sturtewagen, 2010: 5). در کنار این، توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی و اقدامات جبرانی و انگیزشی نیز برای رفع تنش‌ها ضروری است. ایران و ترکمنستان با سیاست‌های کارکردگرایانه به دنبال حفظ وضعیت موجود در رودخانه هریرود هستند، در حالی که افغانستان با کنترل یک‌جانبه سرچشمه‌ها قدرت خود را تقویت می‌کند.

پژوهش‌های مختلف نیز بر اهمیت همکاری‌های حقوقی و اقدامات جبرانی برای حکمرانی پایدار منابع آبی تأکید کرده‌اند (ذکی و همکاران، ۱۴۰۱؛ زارعی و مازندرانی زاده، ۱۴۰۳). بنابراین، تداوم همکاری ایران و افغانستان در حوضه هریرود و دستیابی به توافق پایدار و رسمی، نیازمند توافق در تقسیم منصفانه آب با در نظر گرفتن ملاحظات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی (زرقانی و لطفی، ۱۳۹۰) و توجه به تمام راهبردهای موجود است. این تحلیل به تفکیک دقیق مشکلات کمک می‌کند و به دو کشور امکان می‌دهد تا بر روی مسائل اصلی تمرکز کنند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با عنوان واکاوی پدیدارشناسانه‌ی راهبردهای حل اختلافات آبی ایران و افغانستان در حوضه هریرود از منظر خبرگان و کارشناسان انجام گرفته شد. با توجه به سوء مدیریت‌ها و عدم توافق پایدار بین طرفین و در نتیجه شکل‌گیری تنش‌ها بر سر تخصیص آب، بررسی راه‌کارهای حل اختلافات و ایجاد توافق پایدار، ضرورت دارد. با توجه به تجزیه و تحلیل انجام گرفته و کدهای باز و مؤلفه‌های کسب‌شده، ابعاد حاصل از این مقوله‌ها را می‌توان در دسته‌های سیاسی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، حقوقی و زیست‌محیطی قرار داد. در واقع، مجموعه این عوامل از نظر کارشناسان و خبرگان می‌توانند بر حل اختلافات آبی ایران و افغانستان در حوضه هریرود تأثیرگذار باشند.

در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر و مقوله‌هایی که مورد توجه قرار گرفتند، می‌توان به یافته‌های همسو همچون سینایی (۱۳۹۰)؛ نوذری پور و همکاران (۱۳۹۶)؛ کریمی و همکاران (۱۳۹۹)؛ مشهدی و اکبری (۱۳۹۹)؛ احمدی و همکاران (۱۴۰۰)؛ کاظم‌زاده و شفیع (۱۴۰۰)؛ خوش‌سیما و محجوبی (۱۴۰۱)؛ ایمانپور سعید و سیمبر (۱۴۰۲)؛ زهیری و همکاران (۱۴۰۲)؛ ضیایی و همکاران (۱۴۰۲)؛ اکبرپور آلمه جوقی و همکاران (۱۴۰۲)؛ حسینی گوکی (۱۴۰۳)؛ محمودزاده و همکاران (۱۴۰۳)؛ مشهدی و شریفی کیا (۱۴۰۳)؛ اکبرپور آلمه جوقی (۱۴۰۴)؛ اسلام (۲۰۱۱)؛ نقیبی (۲۰۱۴)؛ نقیبی و همکاران (۲۰۱۹)؛ حیات و همکاران (۲۰۲۲)؛ لودین و وارنر (۲۰۲۲)؛ محمدی و چلکلی (۲۰۲۳)؛ و غیره اشاره نمود.

با وجود انجام این پژوهش‌ها، اختلافات آبی میان ایران و افغانستان در حوضه هریرود همچنان یکی از چالش‌های راهبردی و ژئوپلیتیکی مهم در روابط دوجانبه این دو کشور است. با توجه به تغییرات اقلیمی، افزایش تقاضای آب و توسعه‌های مرزی و به‌ویژه احداث سدهای سلما و پاشدان از سوی افغانستان، مدیریت منابع آب مشترک بیش‌ازپیش حساسیت‌برانگیز شده است. در

نتیجه، بررسی پدیدارشناسانه‌ی این موضوع از منظر خبرگان و کارشناسان، فرصتی برای درک عمیق‌تر از تجربیات، ادراکات و راهبردهای پیشنهادی متخصصان فراهم می‌آورد که می‌تواند به سیاست‌گذاران در اتخاذ تصمیم‌های پایدار و کارآمد کمک کند. همچنین گامی در جهت تقویت دیپلماسی آب و پیشگیری از تشدید تنش‌ها و در نتیجه دستیابی به توافقی پایدار است.

توجه به راهبردهای بیان شده، امکان‌هایی پیش روی دو کشور قرار می‌دهد تا راهی منطقی‌تر برای همکاری دوجانبه و بین‌المللی پیدا نمایند. در این راستا، دو کشور باید یک گروه کاری مشترک را تشکیل دهند که از تخصص‌های دیپلماتیک، مهندسی آب و متخصصان محیط‌زیستی برخوردار باشند و به تحلیل دقیق‌تر و حل مشکلات کمک کنند. در این ارتباط، پس از مذاکرات مکرر و توافقات موقت، دو کشور باید در جزئیات مربوط به تقسیم و مدیریت مشترک منابع آب، و راهکارهای محیط‌زیستی، حقوقی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی به توافق نهایی دست یابند. پس از توافق، انجام تعهدات به‌صورت دقیق و مداوم اهمیت دارد. مکانیزم نظارتی باید برای اطمینان از رعایت تعهدات دو طرف ایجاد شود تا تعارضات پیشین، مجدداً شکل نگیرند. در نمودار ۱، ابعاد حاصل از شناسایی راهبردهای حل اختلافات آبی ایران و افغانستان در حوضه هریرود ارائه شده است:

شکل شماره (۱). الگوی مفهومی پژوهش: ابعاد و مقوله‌های حاصل از شناسایی راهبردهای حل اختلافات آبی ایران و افغانستان در حوضه هریرود



منبع: یافته‌های پژوهشگر

این پژوهش به شناسایی و ارائه راهبردهای حل اختلافات آبی ایران و افغانستان در حوضه هریرود پرداخته است. مشکل اصلی افغانستان نبود طرح‌های آبخیزداری و بهره‌برداری علمی از منابع آب است. برای حل این مشکل، پیشنهاد می‌شود توافق‌نامه‌ای بین دو کشور با ضمانت اجرایی منعقد شود و از متخصصان برای بهره‌برداری صحیح آب استفاده گردد. پیشنهادهایی مانند ساخت دیواره‌های نفوذناپذیر برای جلوگیری از هدررفت آب، سیستم‌های آبیاری قطره‌ای برای کشاورزان افغانستان، و تشکیل گروه کاری مشترک برای حل مشکلات مطرح شده است. همچنین، توسعه پروژه‌های مشترک نظیر سدسازی، تصفیه‌خانه‌ها، و مدیریت یکپارچه منابع آبی می‌تواند به مدیریت منابع کمک کند. هدف نهایی، رسیدن به توافقنامه مکتوب با جزئیات تقسیم منابع آبی و مکانیزم‌های نظارت است که به رعایت حقوق آبی هر دو کشور کمک می‌کند. این پژوهش، با در نظر گرفتن تجربیات کارشناسان، راه‌هایی برای بررسی ماهیت سیاسی رودخانه هریرود و گفتمان‌های عمومی برای همکاری بیشتر ارائه می‌دهد و چشم‌اندازی مناسب برای دستگاه‌های اجرایی و سیاست‌گذاران فراهم می‌کند.

در ادامه، چند مورد از محدودیت‌های پژوهش اشاره شده است. این پژوهش تنها بر ادراکات و تجربیات خبرگان و کارشناسان ایرانی متمرکز بوده و به‌طور مستقیم از دیدگاه کارشناسان افغان یا سایر ذی‌نفعان منطقه‌ای استفاده نکرده است؛ بنابراین نتایج بیشتر بازتاب‌دهنده نگرش درون‌ملی است. ماهیت پژوهش کیفی و مبتنی بر مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، تعمیم‌پذیری نتایج به کل جامعه را محدود می‌سازد؛ یافته‌ها بیشتر جنبه اکتشافی و تبیینی دارند. داده‌ها در بازه زمانی مشخص (۱۴۰۳-۱۴۰۴) گردآوری شدند و با توجه به پویایی روابط دو کشور، تغییر در شرایط سیاسی یا زیست‌محیطی می‌تواند بر اعتبار زمانی یافته‌ها اثر بگذارد.

ازجمله پیشنهادهای آتی، می‌توان به انجام پژوهش‌های مقایسه‌ای و دوسویه با مشارکت کارشناسان افغان، به‌منظور درک متقابل و کشف راهبردهای مشترک برای مدیریت اختلافات آبی؛ توسعه مطالعات ترکیبی (کمی - کیفی) برای سنجش میزان توافق یا اختلاف نظر میان گروه‌های مختلف ذی‌نفعان (دولت‌ها، نخبگان محلی، کشاورزان و سازمان‌های غیردولتی)؛ و بررسی نقش سازوکارهای نهادی بین‌المللی و ظرفیت سازمان‌های منطقه‌ای (مانند اکو و سازمان همکاری شانگهای) در کاهش تنش‌های آبی اشاره نمود.

منابع و مآخذ

فارسی

- احمدی، سعید؛ اسماعیل پورروشن، علی اصغر؛ و قربانی نژاد، ریباز. (۱۴۰۰). تحلیل نقش هیدروپلیتیک هریرود بر چالش‌های ایران و افغانستان، **نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی**، ۱۳ (۲): ۹۹۹-۱۰۲۴.
- اکبرپور آلمه جوقی، علی. (۱۴۰۴). **راهبردهای حل اختلافات آبی: دستورالعمل‌های سیاستی (ایران و افغانستان در حوضه هریرود)**، مشهد: انتشارات ضریح آفتاب.
- اکبرپور آلمه جوقی، علی؛ محمدی، سعید؛ صالحی وثیق، محمدرضا؛ و مکرمی پور، محمدباقر. (۱۴۰۲). **دیپلماسی آبی در حوضه هریرود: راهبردهای حل اختلافات ایران و افغانستان، مدیریت و پژوهش‌های دفاعی**، ۲۲ (۱۰۲): ۱۲۵-۱۴۷.
- ایمانپور سعید، هوشنگ؛ و سیمبر، رضا. (۱۴۰۲). اختلافات ناشی از تقسیم آب رودخانه‌های مرزی مطالعه موردی ایران و افغانستان ۱۴۰۲-۱۲۸۲، **مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، ۲۹ (۱۲۴): ۵۸-۲۹.
- حافظ نیا، محمدرضا؛ احمدی پور، زهرا؛ و قادری حاجت، مصطفی. (۱۳۹۴). **سیاست و فضا، چاپ پنجم**، تهران: انتشارات پاپلی.
- حسینی گوکی، زهرالسادات. (۱۴۰۳). **چشم‌اندازهای حل اختلاف آبی ایران و افغانستان در حوضه هریرود**، قم: انتشارات خزان.
- خوش‌سیما، امیر؛ و محجوبی، عماد. (۱۴۰۱). شناسایی مسائل مدیریت منابع آب مرزی از دیدگاه دیپلماسی آب (مطالعه موردی: رودخانه هریرود)، **فناوری‌های پیشرفته در بهره‌وری آب**، ۱ (۱): ۴۸-۶۹.
- ذکی، یاشار؛ بدیعی ازندهای، مرجان؛ و اسلام جمال گلزاری، امید. (۱۴۰۱). الگوی بنیان‌های هیدروپلیتیک همگرایانه و واگرایانه بین ایران، افغانستان و ترکمنستان در حوضه‌های آبریز مرزهای شرقی، **روابط خارجی**، ۱۴ (۲): ۹۴-۱۳۵.
- زارعی، لیلا؛ و مازندرانی زاده، حامد. (۱۴۰۳). تحلیل اختلاف آب ایران و افغانستان در حوضه هیرمند: ارائه یک راه‌حل پایدار با استفاده از سیستم پشتیبانی تصمیم‌گیری، **تحقیقات منابع آب ایران**، ۲۰ (۲): ۹۱-۱۰۴.
- زرقانی، سیدهادی؛ و لطفی، امین. (۱۳۹۰). نقش رودخانه‌های فرامرزی در همکاری و همگرایی منطقه‌ای (مطالعه موردی: سد هریرود و دوستی)، **جغرافیا و توسعه منطقه‌ای**، ۹ (۱۶): ۵۷-۸۲.
- زهیری، معصومه؛ میرکوشش، امیر هوشنگ؛ و کامیابی، سعید. (۱۴۰۲). نقش حکمرانی خوب و قدرت نرم در دیپلماسی آب با کشور افغانستان، **مطالعات قدرت نرم**، ۱۳ (۴): ۱۰۱-۱۲۱.
- سینایی، وحید. (۱۳۹۰). **هیدروپلیتیک، امنیت و توسعه همکاری آبی در روابط ایران، افغانستان و ترکمنستان**، فصلنامه **روابط خارجی**، ۳ (۲): ۱۸۵-۲۱۱.
- سینایی، وحید؛ و جمالی، جواد. (۱۳۹۷). **دیپلماسی اقتصادی ج.ا.ایران در افغانستان و مدیریت اختلافات آبی دو کشور با کاربست رویکرد اقتصاد نهادگرا، مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی**، ۸ (۲۸): ۶۹-۹۳.

پدیدارشناسی راهبردهای حل اختلافات آبی ایران و افغانستان در حوضه هریرود □ ۱۳۷

صالحی وثیق، محمدرضا؛ و اکبریور آلمه جوقی، علی. (۱۴۰۲). تحلیل پدیدارشناسانه نگرش دانشجویان علوم سیاسی نسبت به عوامل مؤثر بر اعتماد سیاسی (مسئولان سیاسی در جمهوری اسلامی ایران)، **پژوهشنامه علوم سیاسی**، ۱۸ (۴): ۲۰۳-۱۶۹.

ضیایی، ضیالحق؛ سردارشرهکی، علی؛ و صفدری، مهدی. (۱۴۰۲). تدوین راهبردهای توسعه همکاری‌های آبی ایران و افغانستان، **نشریه آبیاری و آب ایران**، ۱۳ (۴): ۳۶۸-۳۴۶.

کاظم‌زاده، احمد؛ و شفیع، نوذر. (۱۴۰۰). مدیریت یکپارچه منابع آب و حوضه رودخانه‌ای؛ مطالعه موردی: حوضه آبی ارس-کر، **مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، ۱۱۴ (۴): ۱۲۹-۹۱.

کاوایانی راد، مراد؛ و صدرنیا، حسن. (۱۳۹۸). **هیدروپلیتیک: آینده‌پژوهی مناسبات هیدروپلیتیک ایران و افغانستان در حوضه آبریز هریرود**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

کریمی، سیدسلیمان؛ مهکویی، حجت؛ عباسی، علیرضا؛ و گندمکار، امیر. (۱۳۹۹). تأثیر رودخانه مرزی هریرود بر روابط هیدروپلیتیک ایران و افغانستان، **نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی**، ۱۳ (۱): ۳۳-۱۸.

کلاتری، کیومرث؛ مکنون، رضا؛ و کریمی، داریوش. (۱۳۹۶). استقرار چارچوب حقوقی مدیریت یکپارچه منابع آب در حوضه‌های آبریز ایران، **مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی**، ۷ (۲۵): ۵۱-۳۵.

مشهدی، علی؛ و اکبری، نرگس. (۱۳۹۹). تعهدات دولت‌های حوضه هریرود در احداث تأسیسات آبی، **مجله حقوقی بین‌المللی**، ۳۷ (۶۳): ۳۴۲-۳۰۹.

مشهدی، علی؛ و شریفی کیا، محمدعلی. (۱۴۰۳). رژیم حقوقی بهره‌برداری از منابع آبی رودخانه‌های بین‌المللی (مورد مطالعه: هریرود)، **مجله حقوقی بین‌المللی**، ۴۲ (۷۷): ۲۰۶-۱۸۹.

نوذری پور، علیرضا؛ شریانی، میترا؛ و غفاری، پریسا. (۱۳۹۶). مشارکت بخش عمومی خصوصی در صنعت آب و فاضلاب: مطالعه موردی نمونه کشورهای حوزه آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین، **نشریه آب و توسعه پایدار**، ۴ (۱): ۲۰-۹.

نوروزی، مجتبی؛ لواسانی، شکوه سادات؛ و نظیفی نایینی، نازنین. (۱۳۹۸). تبیین فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در افغانستان، **مطالعات روابط فرهنگی بین‌المللی**، ۵ (۱۲): ۶۰-۲۹.

لاتین

Alase, A. (2017). The Interpretative Phenomenological Analysis (IPA): A Guide to a Good Qualitative Research Approach. **International Journal of Education and Literacy Studies**, 3 (2): 1-9.

Braun, V., & Clarke, V. (2021). Thematic Analysis: A Practical Guide. **Themat Anal Pract Guid**, 2 (1): 1-100.

Chala, M.B., Donnelly, C., Ghahari, S., Wondie, Y., Abebe, A., & Miller, J. (2022). An Interpretative Phenomenological Analysis of Living with Chronic Low Back Pain in Ethiopia. **J. Pain Res**, 15 (21): 4031-4045.

Creswell, J. W. (2014). **Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches (4th ed.)**. SAGE.

Hayat, S., Gupta, J., Vegelin, C., & Jamali, H. (2022). A Review of Hydro-hegemony and Transboundary Water Governance. **Water Policy**, 24 (11): 1723-1740.

- Joya, O. (2012). **Natural Resources: What Strategy for Afghanistan**. Samuel Hall.
- King, M., & Sturtewagen, B. (2010). **Making the most of Afghanistan's River Basins**. East-West Institute, New York.
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). **Naturalistic inquiry**. Sage.
- Loodin, N., & Warner, J. (2022). A Review of Hydro-Hegemonic Dynamics on the Transboundary Harirud River Basin: 2001–Present. **Water**, 14 (21): 1-16.
- McIntyre, O. (2016). **Environmental Protection of International Watercourses under International Law**. Routledge.
- Mohammadi, M., & Çelekli, A. (2023). A review of Hari Rud River Basin in Afghanistan. **Afghan Journal of Science**, 1 (23): 1-12.
- Moorthy, R., & Bibi, S. (2023). Water Security and Cross-Border Water Management in the Kabul River Basin. **Sustainability**, 15 (792): 1-15.
- Nagheeb, M., & Warner, J. (2018). The Geopolitical Overlay of the Hydropolitics of the Harirud River Basin. **Int Environ Agreements**, 18 (18): 839–860.
- Nagheeb, M., Piri, M., & Faure, M. (2019). The Legitimacy of Dam Development in International Watercourses: A Case Study of the Harirud River Basin. **Transnational Environmental Law**, 8 (2): 247-278.
- Peterson, S. (2013). Why a Dam in Afghanistan Might Set Back Peace. **Christian Science Monitor**. July 30. <http://www.csmonitor.com/World/Asia-South-Central/2013/0730/Why-a-dam-in-Afghanistan-might-set-back-peace>.
- Ramachandran, S. (2016). **Afghanistan Risks Water Conflict with Iran**. 30 July. Available online: <https://cacianalyst.org/publications/analytical-articles/item/13379-afghanistan-risks-water-conflict-with-iran.html> (accessed on 12 August 2020).
- Saeedi, N. (2022). The Silent War 'Afghanistan and Iran Water Crisis. **Ahvvu Edebiyat Fakültesi Dergisi**, 22 (7): 49-56.
- Usta, G. (2025). The Situation of Homeless Individuals in Earthquakes and Policy Recommendations: A Phenomenological Study. **Nat Hazards**, 8 (5): 1-17.